عدم تطبیق روایت با تردید مطرح در کلام علامه مجلسی

مرحوم مجلسی تقریباً همین بیان را دارند. یعنی قول دوم را دارند. فرمودهاند: **«أن النبي صلى الله عليه وآله بعث عبد الله بن جحش ومعه ثمانية رهط من المهاجرين ... فوجدوا بها عمرو بن الحضرمي في عير تجارة قريش في آخر يوم من جمادى الآخرة وكانوا يرون أنه من جمادى ووه رجب»**. این عبارت از عباراتی است که محملی که آلآن صحبتش بود را دور میبرد. چرا؟ **«کانوا یرون انه من جمادی»**؛ اگر شب بود دو وجه که معنا نداشت. هلال را دیده بودند و شب هم میدانستند که آلآن هلال را دیدیم. ولی شکی نداشتند که روز قبل آن جمادی و فردا هم رجب است. این به چه معنا است که چون یک روز بود میگفتند امروز رجب است یا امروز جمادی است؟ همین معنا است که آنها شب را بعد قرار میدادند؛ بعد میگفتند «هذا الیوم» یعنی هذا الیوم و لیلته. درحالیکه بعد میگوید «و وه رجب»! این رجب بود. اینکه تأیید دیدن میشود. یعنی تردید در امروز بود به این معنا که امروز و لیلته، رجب است یا جمادی است. ولو ماه را دیده باشند و شب هم باشد جمادی است. باز تردید ندارند که جمادی است. تنها تردید در این است که امشب شهر حرام شروع شده یا نشده؟ نه اینکه هذا الیوم و لیلته جمادی او رجب. تردید نداشتند روز قبلش که شب برای آن بود، جمادی بوده. لذا تصور اینکه تردید آنها به چه صورت میشود، مهم است. اگر وجهی به ذهن شما میآید بفرمایید. چطور آن را درست کنیم؟ در چندین کتاب هم آمده است. عبارت به این صورت است؛ «فی آخر یوم من جمادی الآخرة و کانوا یرون انه من جمادی و وه رجب». بر طبق همه تقادیر این جمله را نمیتوان معنا کرد. یعنی چه «کانوا یرون انه من جمادی و وه رجب»؟ خب اگر روز منظور است، ولو ماه را هم دیده باشند، فردا ماه رجب میشد. اگر هم شب را متأخر فرض میگرفتند و روز را سابق فرض میگرفتند، باز آن روز جمادی بود، نه اینکه باز بگویند «و وه رجب». چون همان شب دیده بودند. دیشب ندیده بودند. کسی هم نمیگوید ما که غروب ببینیم امروز ماه رجب میشود. با اینکه امروز غروب دیدیم.

24:25

شاگرد: آلآن روز بیست و نهم است، آخرین روز جمادی است. شب که میشود آن شب را از جمادی میبینیم درحالیکه از رجب است. به این عنوان که بهطور قطع امروز روز آخر جمادی است.

استاد: سوم را که داریم. لیل که از ابن عباس نقل شده، قول سوم است. او صریحاً میگوید که در شب بود. شما سوم را معنا کنید. «فی آخر یوم من جمادی الاخره، و کانوا یرون» این جور میدیدند که آن روز ازجمادی است اما «و وه رجب».

شاگرد۲: مثلاً روز سیام بوده و آنها شب قبل ماه را ندیده بودند. ولی اهل بطن نخله شب قبل ماه را دیده بودند. لذا اینکه میگوید «یرون» روز آخر جمادی الاخره است، یعنی همین روز سیام است که آنها میگفتند ما در لیله ماضیه ماه را ندیده بودیم. اما درواقع اهل بطن نخله دیده بودند.

استاد: خب هجوم چه زمانی بود؟ روز اول ماه رجب بود؟ ای شب اول ماه رجب؟

شاگرد: اگر به این صورت معنا کنیم روز اول ماه رجب می‌شود. سوم الشک برای مسلمانان بود ولی آنها دیده بودند.

استاد: در نقل دیگری در تفسیر مقاتل هست. او می‌گوید خود مسلمانان می‌گفتند «امسینا و رأینا الهلال». این تعبیری را هم دارد. لذا اینکه رؤیت هلال در چه زمانی بود یادتان باشد بررسی کنیم. «ان اهل بطن نخلة» یعنی مسلمانان ندیده بودند؟! با اینکه همان جا حضور داشتند؟! کفار دیدند و گفتند «دخل الشهر الحرام» ولی آنها ندیده بودند؟! لذا فردا را شهر حرام گرفته بودند.

شاگرد۲: سه دسته گروه بودند؟ یک دسته مسلمانان بودند و یک دسته کفار بودند و یک دسته هم برای اهل بطن نخله بودند؟

استاد: یعنی برای اهل مکه باشند. چند نفر از آنها که کشته شدند. اسیر هم شدند. یکی از آنها که پسر مغیره معروف بود، فرار کرد و خودش را به مکه رساند و خبر داد که مسلمانان این کار را کرده‌اند.

خب من عبارت بحارالانوار را سر برسانم. ایشان تنها همین وجه را فرمودند. وقتی آن را می‌خوانیم باید ببینیم مرحوم مجلسی در ذهنشان چه بوده که فرمودند «توضیحه». توضیحه را برای این قول آورده‌اند. درحالی‌که بین مفسرین سه قول آمده است. این قول را برای توضیح روایت آورده‌اند. اینکه چطور توضیح روایت می‌شود را باید دنبال کنیم. یعنی ایشان چطور فرض گرفتند که در روایت دارد «کان فی آخر یوم من جمادی الآخرة و کانوا یرون انه من جمادی و هو رجب فاختصم المسلمون».

شاگرد۱: این عبارت گنگ نیست؟ هم آخرین یوم بود و هم از رجب بود؟

استاد: دنبالش مهمتر است. بعد می‌گوید: **«قال قائل منهم ما نعلم هذا الیوم إلا من الشهر الحرام»؛** یعنی بین خودشان اختلاف شد. **«و لا نری أن تستحلوه لطمع أشفیتم علیه فغلب علی الأمر الذي یریدون عرض الحیاة الدنیا فشدوا علی ابن الحضرمي فقتلوه».**

«ویظهر من هذا الخبر کما ورد في بعض السیر أیضا أنهم إنما فعلوا ذلک بعد رؤیة هلال رجب»؛ یعنی خودشان دیدند. اینطور که در حافظه من است در تفسیر مقاتل بن سلیمان هست. با اینکه اهل‌سنت در تشیع و زیدی بودن او حرف دارند، خودشان هم می‌دانند که اینطور نیست. هر چه هست، بالفعل در زمان ما که سایت‌های آنها مداقه می‌کنند چه کتاب‌هایی را بیاورند و چه کتاب‌هایی را نیاورند، تفسیر مقاتل بن سلیمان که متوفای 150 است و یکی از متقدم‌ترین تفاسیر است را قبول کرده‌اند. یعنی به‌عنوان کتاب تراث مقبوله نزد خودشان ثبت کرده‌اند.

به نظرم آن جا دارد: «امسینا فرأینا الهلال[1]» . اینجا هم که مرحوم مجلسی می‌فرمایند به همین صورت است. **«بعد رؤیة هلال رجب و علمهم بکونه منه واستشهاده بأن الصحابة حکموا بعد رؤیة الهلال بدخول رجب فاللیل سابق علی النهار و محسوب مع الیوم الذي بعده یوما»؛** شب جمعه و فردا جمعه باهم یک شبانه‌روز.

«و ما سبق من تقدم خلق النهار علی اللیل لا ینافي ذلک کما لا یخفی»؛ روایتی است که از امام رضا سؤال کرد، فرمودند در ابتدای خلقت، «ان النهار سابق علی اللیل». ظاهراً فضل بن سهل بود. حضرت فرمودند می‌خواهی از سمع و قرآن برای تو بگویم یا از محاسبه و علم نجوم؟ ظاهرا او عرض کرد هر دوی آنها. حضرت فرمودند «طالع الدنیا السرطان». این جواب طبق فن نجومی بود. در مجمع البیان[2] هم هست. برای بخش دوم که طبق نقل بود، حضرت فرمودند: «و ال اللیل سابق

النهار»؛ ليل بر نهار سبقت ندارد.

حضرت اين را براى چه مى‌فرمايند؟ لذا مرحوم مجلسى مى‌فرمايند: «و ما سبق من تقدم خلق النهار على الليل الا ينافي ذلك كما ال يخفى»؛ يعنى آن براى شروع كار است. در شروع كار ابتدا نهار بوده و پس از آن ليل بوده. اما الآن اينطور نيست. وقتى مى‌خواهيم براى ماه را حساب كنيم، اول ليل است و بعد از آن نهار است. خب جمع اين دو چطور مى‌شود؟ پاراسال صحبت شد. امروز فعلاً بحث ما نيست.

فعلاً صحبت ما سر اين روايت است. حضرت فرمودند: «اهل بطن نخلة حيث راوا الهلال قالوا قد دخل الشهر الحرام».

---

[1] تفسير مقاتل بن سليمان (١/ ١٨۴)

بعث عبيدة بن الحارث بن عبد المطلب على سرية في جمادى الآخرة قبل قتال بدر بشهرين على رأس ستة عشر شهرا بعد ... وأفلتهم نوفل بن عبد الله بن المغيرة [٣٥ ب] المخزومي على فرس له جواد أنثى فقدم مكة من الغد وأخبر الخبر مشركي مكة، وكرهوا الطلب، لأنه أول يوم من رجب وسار المسلمون بالأسارى والغنيمة حتى قدموا المدينة. فقالوا: يا نبي الله، أصبنا القوم نهارا فلما أمسينا رأينا هلال رجب، فما ندري أصبناهم في رجب أو في آخر يوم من جمادى الآخرة وأقبل مشركو مكة ... وقال عبد الله ابن جحش وأصحابه أصبنا القوم في رجب فنرجو أن يكون لنا أجر المجاهدين في سبيل الله.... .

[2] تفسير مجمع البيان - الطبرسي (٨/ ٢۴١، بترقيم الشاملة آليا)

بازبينى #2
ايجاد شده 14 مه 2026 10:51:09 توسط ... .
به روزرسانى شده 14 مه 2026 12:23:03 توسط ... .